

Adam Smith And The Toghute "Free Colonial Trade"; Critical Analysis of Historical Origin of Rising A Neglected Idea

Mohammad Reza Razi Bahabadi*
Davood Manzour**

Received: 19/04/2021
Accepted: 28/09/2021

Abstract

Understanding and criticizing of rival schools is one of the necessities of production of Islamic Economics. Adam Smith is considered the father and his book *The Wealth of Nations* as well as the first work of Liberal Economics. A careful review of his life time not only clarifies the contexts for the emergence of economics knowledge, and thus helps to compensate for the weakness of historical studies in the field of economics, but also leads to a better understanding of the inner context of economic ideas. Ongoing research has yielded new insights into Smith's economic views and the *Wealth of Nations* book by looking at library sources and studying and then comparing documents. First, by turning events into a chronology, we give a grand account of the history of British colonialism and the colonial contexts of modern economy. Destruction of the last remnants of the Islamic government of Andalusia in 1492. And the sending of Columbus to the West and Vasco de Gamma to the East in the same year is the beginning of this movement, which continues with the colonization of the land called the United States, as well as India. Overseas looting, plantocracy and slavery are among the most important events and periods that lead to the formation of the "colonial trade" system. The *Wealth of Nations* is compiled in such a historical setting. In the second part, as a reasoning argument and not a testimony, by reviewing parts of the fourth volume of *The Wealth of Nations*, which has not been translated into Persian and in Iran and is therefore neglected, we review Smith's views on this colonial trade. The findings of this review show that he considered colonialism to be a British right and distinguished between "colonial trade" and "monopoly colonial trade" and described his problem as its monopoly. He believes that the monopoly of this business is not sustainable and is not as beneficial as its natural and free state. He argues that he offers "colonial free trade" as a solution rather than "Free Trade".

Keywords: Islamic Economics, Modern Economic Knowledge, Adam Smith, *Wealth of Nations*, Colonial Free Trade, Colonial Monopoly Trade.

JEL Classification: B12, N10, N40.

* Fourth level of Qom Seminary; PhD Student of Imam Sadiq University, Tehran, Iran,

Razy2060@chmail.ir

** Associate professor, Faculty of Economics and Islamic studies, Imam Sadiq University, Tehran, Iran,

manzoor@isu.ac.ir

آدام اسمیت و اندیشه «تجارت آزاد استعماری»^۱، تحلیل انتقادی خاستگاه تاریخی نضج یک ایده مغفول

محمد رضا رضی بهابادی*

داوود منظور**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

فهم و نقد مکاتب رقیب از لوازم ضروری تولید اقتصاد اسلامی است. «آدام اسمیت» را پدر و کتابش «ثروت ملل» را اولین اثر مدون دانش اقتصاد لیبرال می‌دانند. مرور دقیق زمانه زندگانی اسمیت نه تنها بسترهای پیدایش اقتصاد سرمایه‌داری را روشن‌تر می‌سازد و از این طریق به جبران ضعف مطالعات تاریخی در فضای دانش اقتصاد کمک می‌کند بلکه به فهم بهتر بافت درونی اندیشه‌های اقتصادی نیز منجر می‌شود. تحقیق پیش‌رو با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی و سپس مقایسه میان اسنادی به نکاتی تازه درباره دیدگاه‌های اقتصادی اسمیت و کتاب ثروت ملل دست یافته است. در ابتدا با تبدیل رویدادها به یک سیر زمانی، به روایتی کلان از تاریخ استعمار بریتانیا و بسترهای استعماری اقتصاد مدرن پرداخته شده است. نابودی آخرین بقایای حکومت اسلامی اندلس در ۱۴۹۲ م. و اعزام کلمب به غرب و واسکو داگاما به شرق در همین سال، آغاز این حرکت است که با استعمار متمادی سرزمینی که آمریکا نام گرفت و نیز هندوستان ادامه می‌یابد. غارت ماوراء بحار، پلانتوکراسی و برده‌داری از مهم‌ترین رویدادها و دوران‌هایی هستند که به شکل‌گیری نظام «تجارت استعماری» یا «مستعمراتی» منجر می‌شوند. ثروت ملل در چنین محیط تاریخی‌ای تدوین می‌گردد و به تجارت استعماری تعلق عمیق دارد. مهم‌ترین استدلال، رجوع به خود کتاب ثروت ملل است. بازخوانی بخش‌هایی از جلد چهارم ثروت ملل که تاکنون در ایران ترجمه نشده و از این رو مغفول واقع شده است - نشان‌دهنده دیدگاه‌های اسمیت نسبت به این تجارت استعماری است. وی آشکارا استعمار را حق بریتانیا دانسته و میان «تجارت استعماری» و «تجارت استعماری انحصاری» تفکیک قائل می‌شود و با تأیید مزایای تجارت استعماری، مشکله خود را انحصاری بودن آن عنوان می‌کند. او معتقد است انحصاری بودن این تجارت قابل ادامه نبوده و به اندازه حالت طبیعی و آزاد آن سودمند نیست. راهکار او نه «تجارت آزاد» که «تجارت آزاد استعماری» است.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، دانش اقتصاد مدرن، آدام اسمیت، ثروت ملل، تجارت آزاد استعماری، تجارت انحصاری استعماری.

طبقه‌بندی JEL: B12, N10, N40

1. Colonial free trade

* دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران
razy2060@chmail.ir (نویسنده مسئول)

** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران، manzoor@isu.ac.ir

مقدمه

فهم و نقد جریان‌ات رقیب مانند اقتصاد سرمایه‌داری به دانش اقتصاد اسلامی کمک شایانی خواهد کرد. این کمک هم از جهت شناخت دقیق‌تر مفاهیم متعارف و هم از سویه بالابردن دقت مرزهای مفاهیم اسلامی است.

از مهم‌ترین خلاءها در مطالعات اقتصاد اسلامی و اغلب مکاتب اقتصادی، بریده‌سازی نظریات و اندیشه‌های اقتصادی از بستر تولد آنهاست. بریدن اندیشه از سه عنصر زمان، مکان و انسان (روابط انسانی)، دست‌کم در حوزه علوم انسانی، نه تنها فهم بستر تولد بلکه بافت درونی نظریات را نیز به چالش می‌کشد.

تلاش برای «محض» جلوه دادن نظریات اقتصادی یعنی «فرازمان» نشان دادن آن با گذار از مفهوم «اقتصاد سیاسی»^۱ به «علم اقتصاد»^۲ کامل شد. تلاش امثال «جوئز»^۳ و «والراس»^۴ برای ارائه روایتی محض و علمی از مباحث حوزه اقتصاد سرمایه‌داری به شکل‌گیری مفهوم «اکونومیکز» یا «علم اقتصاد» انجامید^۵ و خلاء مطالعات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در مباحث اقتصادی پایه‌گذاری و بعدها نهادینه شد. تنها گرایش‌هایی مانند مکتب تاریخی اتریش و یا نهادگرایی درصد جبران این نقیصه جدی برآمدند و در آثار خود به آن پرداختند (پیغامی، ۱۳۸۹).

افزون بر این ضعف مزمن در فضای دانش اقتصاد، حتی آنگاه که به ضرورت مطالعات تاریخی توجه می‌شود، ضعف‌های جریان تاریخ‌نگاری غالب و متعارف، مشکل‌ساز می‌شود، چراکه یکی از مهم‌ترین عناصر نگارش تاریخ، مکتب تاریخ‌نگاری‌ای است که راوی بدان متعلق است. سنت تاریخ‌نگاری غربی به‌ویژه از قرن هفدهم به بعد به‌نوعی خودبرترینی فرهنگی - اقتصادی و نیز تنزیه بلکه تقدیس مبتلاست که با سرریز از حوزه تاریخ‌نویسی اروپا به دیگر جوامع علمی بین‌المللی، موجب دشوار ساختن درک واقعیات برپا شدن غرب جدید و نیز دانش اقتصاد مدرن شده است.

در مقاله پیش‌رو ابتدا شرایط تاریخی منجر به شکل‌گیری دانش اقتصاد مدرن را مرور می‌کنیم و سپس با مراجعه بدون واسطه به منبع دست اول دانش اقتصاد متعارف

یعنی کتاب «ثروت ملل» به بازخوانی بخش‌هایی مغفول از آن می‌پردازیم تا ایده «تجارت آزاد» و قیود آن را بازشناسیم.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به محتوای مقاله، پیشینه مطالعاتی آن در دو بخش قابل ارائه است. یکی تحقیقات مرتبط با تاریخ غرب مدرن، اروپا و بریتانیا که به‌نوعی انتقادی و خلاف جریان تاریخ‌نگاری غالب محسوب می‌شوند و دیگری مطالعات مربوط به آدام اسمیت و ثروت ملل.

در زمینه تاریخ‌نگاری مستقل از نگاه رایج و متعارف مکتب تاریخ‌نگاری غربی، کارهای نسبتاً زیادی انجام شده است. بی‌شک کتاب پنج جلدی «زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران» اثر عبدالله شهبازی (۱۳۸۳)، مهم‌ترین، جامع‌ترین و نوآورانه‌ترین کار پژوهشی است که به تصدیق تاریخ‌نگاران، از علمیت و اتقان فراوان برخوردار است و سرآمد مطالعات مشابه به‌شمار می‌رود. شهبازی با ارائه مستندات فراوان، یهودیت منحرف را به‌عنوان نخ تسبیح تحولات تاریخی، دست‌کم از قرون اولیه اسلامی تا جنگ‌های صلیبی و از جنگ‌های صلیبی تا امروز می‌داند. او تحولات تاریخی را دارای ساختاری دودمانی و الیگارشیکی یافته است و به تفصیل پیرامون آن قلم زده است. تکاپوهای استعماری بریتانیا در شرق و غرب عالم در این مجموعه به تفصیل مطالعه شده است.

اثری دیگر که نگاهی کلان و سیرگونه به تاریخ دارد، مجموعه پنج جلدی روایت تفکر، فرهنگ و تمدن از آغاز تا کنون است که به همت تیم تحقیقاتی سازمان ملی جوانان (۱۳۹۱) و نشر معارف به شکل مطبوع به چاپ رسیده است. این مجموعه با مرور تمدن‌های جهانی بر تمدن اسلامی متمرکز می‌شود و آن را در ساحت‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و علمی به اجمال بررسی می‌کند. همچنین تاریخ غرب نیز از روم و یونان باستان تا سده بیستم روایت شده است.

در بخش مطالعات جریان متعارف در موضوع زندگی و زمانه آدام اسمیت و ثروت ملل کتاب‌های زیادی نوشته شده که عمدتاً به زبان لاتین است. از آنجا که این آثار مستقیماً به موضوع مقاله مربوط نیست صرفاً به آن‌ها اشاره می‌کنیم. «مجموعه آثار و

یادداشت‌های آدام اسمیت» (Edition of the Works and Correspondence of Adam Smith) به همت گروه ویراستاران دانشگاه گلاسکو (۱۹۷۶ - ۱۹۸۳ م.)، چاپ آکسفورد؛ برجسته‌ترین تصحیح و تحقیق صورت گرفته بر ثروت ملل اثر ادوین کانن (۱۹۰۴ م.) (An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations, edited with an Introduction,) (Notes, Marginal Summary and an Enlarged Index by Edwin Cannan) (که در اواخر همین مقاله به صورت نیمه تفصیلی بدان خواهیم نگریم)؛ «زندگی آدام اسمیت» (Life of Adam Smith) نوشته جان را (۱۹۶۵ م.)؛ جامع‌ترین و جدیدترین زندگی‌نامه مربوط به اسمیت، «زندگانی آدام اسمیت» (The Life of Smith) اثر یان سیمپسون راس (۲۰۱۰ م.) و «مقالاتی درباره آدام اسمیت»، تدوین شده توسط اسکینر و ویلسون (۱۹۷۵ م.) و آثار فراوان دیگر.

در منابع فارسی آثار زیادی که مختص به اسمیت باشد، یافت نمی‌شود.

«ثروت ملل» ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده (۱۳۵۷) و «آدام اسمیت و ثروت ملل» اثر محمدعلی همایون کاتوزیان (۱۳۵۸)، مهم‌ترین آثاری هستند که اولی سه بخش اول ثروت ملل را به طور کامل و دومی پس از مروری کوتاه بر زندگانی اسمیت تنها گزیده‌هایی از متن سه بخش اول را ترجمه می‌کند. «آدم اسمیت»، نوشته رافائل (۱۹۸۹) توسط عبدالله کوثری (۱۳۸۷) ترجمه و توسط انتشارات طرح نو در ایران به چاپ دوم رسیده است.

در میان آثار انتقادی نسبت به اسمیت که به موضوع مقاله مربوط است، کتاب «مغالطه آدام اسمیت؛ رهنمودی به الهیات اقتصادی» اثر دانکن فولی (۲۰۰۸ م.) توسط حمیدرضا مقصودی و علی سعیدی (۱۳۹۲) ترجمه و توسط انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) منتشر شده است. کتاب، این عقیده اسمیت را که «پی جویی نفع شخصی منجر به حداکثر شدن نفع عمومی می‌شود» یک مغالطه دانسته و مورد انتقاد تفصیلی قرار می‌دهد.

شهریار زرشناس (۱۳۹۶) در کتابی کم‌حجم با نام «آدام اسمیت در یک نگاه کوتاه» پس از اشاره‌ای به زندگانی اسمیت به نقد اندیشه‌های او و نقش وی در لیبرالیسم اقتصادی و نظام سرمایه‌داری مدرن پرداخته است. این کتاب تنها اثر انتقادی متمرکز بر

اسمیت است که به زبان فارسی، توسط یک ایرانی و از منظر نقد به مدرنیته و پایه‌های تمدن غرب نوشته شده است.

شاید تنها زندگی‌نامه تحلیلی و انتقادی از اسمیت در زبان فارسی کتاب «روایت پیدایش دانش اقتصاد با تمرکز بر زندگی و زمانه آدام اسمیت» اثر سید محمدرضا رضی، باشد که توسط انتشارات قصد در حال چاپ است. نویسنده در این کتاب از پایگاهی مستقل با مقایسه میان منابع تاریخی و با شواهد فراوان به بازخوانی زندگانی اسمیت و ارتباطات سیاسی، اقتصادی، اشرافی و علمی وی پرداخته است. این تحقیق اسمیت را در پیوند استوار با کارگزاران نظام استعماری بریتانیا و در خدمت دستگاه سیاسی و خانواده‌های اشرافی پیوسته به آن می‌یابد که وی را در ۱۶۶۸م. توسط چارلز تاونشند، شخصیت اول سیاست بریتانیا در آن سال‌ها و با نظارت دیوید هیوم؛ برای تدوین ثروت ملل استخدام می‌کند. اطلاعات منابع فوق در کتابنامه آمده است.

درباره موضوع خاص مقاله یعنی «اندیشه تجارت آزاد استعماری در اندیشه اسمیت»، دست کم در منابع فارسی و در حد جستجوی نسبتاً گسترده نویسنده، پیشینه و منبعی وجود ندارد.

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات گذشته، نگاه اولاً تاریخمند و ثانیاً انتقادی به روند تکوین دانش اقتصاد مدرن و ردیابی ریشه‌های آن است که به جبران خلاء مطالعات تاریخی در تکوین دانش اقتصاد کمک می‌کند. این گزارش به خلاف جریان تاریخ‌نگاری رایج، به دوران استعمار بریتانیا توجه ویژه داشته و پایه‌های انباشت سرمایه برای تکوین سرمایه‌داری را در آن دوران جستجو می‌کند. نیز این مقاله اولین اثری است که در منابع فارسی به ارائه گزارشی از جلد چهارم ثروت ملل پرداخته است و از ایده «تجارت آزاد» رمزگشایی می‌کند.

۲. مروری بر تاریخ تحولات استعماری بریتانیا

۲-۱. آغاز تکاپوهای استعماری در غرب

سال ۱۴۹۲م. را می‌توان مبدأ غرب جدید دانست. (شهبازی، ۱۳۸۳، ص. ۳۶) در این سال، وداع غرب با دورانی طولانی و متفاوت از حیات خود کامل می‌گردد و این

انقطاع، آغازی است بر تکاپو در خارج از اروپا و در سطح بین‌الملل. سال ۱۴۹۲م.، سال پایان حکومت اسلامی اسپانیا و تسخیر آخرین پایگاه باقیمانده در شهر غرناطه (گرانادا) است. ملکه ایزابل با همراهی شوهرش فردیناند در این سال و در پی محاصره‌ای طولانی و ایجاد قحطی، مقاومت ساکنان شهر را در هم شکست و با خشونت فراوان فرمان غارت، تجاوز و به بردگی گرفتن مسلمانان اندلس را صادر کرد. بدین‌سان پس از ۷۸۱ سال «تمدن اسلامی در اروپا» با همه مظاهر درخشان و البته با همه ضعف‌های رخنه‌کرده در ساخت درونی فرهنگ، سیاست و اقتصاد خود سقوط کرد و فروپاشید (شهیدی پاک، ۱۳۹۴، ص. ۳۵۹).

بسیاری از ساکنان اروپایی مسلمان شهر به‌صورت فجیعی به قتل رسیدند و جمعیتی عظیم از ایشان به آفریقا کوچانده شدند. دادگاه‌های معروف تفتیش عقاید برپا شد و حتی تکلم به زبان عربی و داشتن کتاب نیز تا مدت‌ها ممنوع گردید (معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص. ۳۸).

این ضعف‌ها مرهون مشورتی بود که سال‌ها پیش مسیحیان دریافت کرده و با حکومت اسلامی اسپانیا قرارداد صلحی را دربرگیرنده سه شرط آزادی آموزش، آزادی تبلیغ مسیحیت و آزادی تجارت به امضا رسانده بودند (طنطاوی، ۱۳۹۲، صص. ۲۱-۲۸).

درست در همین سال، یک یهودی نظامی و دریانورد به‌نام «کریستف کلمب» (کلمبوس)^۶ از دربار حکومت نو تأسیس اسپانیا مجوز و نیز سرمایه و امکانات لازم را دریافت کرد و با چند کشتی نظامی به قصد هندوستان به سمت غرب عالم روانه شد. قرار بر این بود در این سفر منافع حاصله میان دربار اسپانیا و کلمب تقسیم گردد (اکتار، ۱۳۸۷، صص. ۱۹-۳۱).

کاروان دیگر در همین سال و کمی پیش از کاروان اول، از دربار پرتغال به رهبری دزدی دریایی به‌نام «واسکو داگاما»^۷ به سوی شرق عالم روانه شد و راه هندوستان را در پیش گرفت (شهبازی، ۱۳۸۳، ص. ۳۶).

این عطش، بیشتر نتیجه سفرهای موردی اروپاییان و انتشار گسترده سفرنامه‌های شرقی در میان سلاطین، اشراف و دریانوردان اروپایی بود. گزارش سفر کلمب به هند (قاره آمریکا)، سفرنامه نئارک، سفرنامه احتمالاً جعلی مارکوپولو، سفرنامه نیکولو

کونت، نمونه‌های مهمی از این دست هستند. این سفرنامه‌ها به مدد ماشین چاپ گوتنبرگ به فراوانی گسترش یافتند و تب طلا و تاراج هند را به یک آرزو و حسرت تاریخی بدل کردند (شهبازی، ۱۳۸۳، صص. ۵۷-۶۱) مجوز اقدامات ددمنشانه اروپاییان در ابتدا آرمان‌های صلیبی، نبرد با مشرکان و از همه مهم‌تر کفار مسلمان بود. این آرمان‌ها، پوشاندن جامه تقدس بر چپاولگری غربی‌ها به‌شمار می‌رفت (شهبازی، ۱۳۸۳، ص. ۵۲).

سنت تاریخ‌نگاری غرب، با سرپوش گذاشتن بر روند واقعی شکل‌گیری خود، به سیر قرون وسطی، رنسانس، انقلاب صنعتی و ... تحویل شده است.

۲-۲. استعمار سرزمینی موسوم به آمریکا

کلمب ابتدا به جزایر باهاما رسید و طبیعتاً اولین اقدام، کشتار مردمی بود که در برابر او از خود، سرزمین و ثروت‌هایشان دفاع می‌کردند چرا که شعار او و جریانی که وی پایه‌گذاری کرده بود این بود که «یک بومی خوب، یک بومی مرده است» (اکتار، ۱۳۸۷، ص. ۳۱). هائیتی نمونه‌ای تکان‌دهنده و گویا از این جریان گسترده در نسل‌کشی است. کلمب جمعیت این سرزمین را در هنگام ورود خود، شش دسامبر ۱۴۹۲ م، ۹۰۰ هزار نفر تخمین می‌زند. تنها ۱۶ سال پس از یورش اروپاییان برای یافتن طلا در سال ۱۵۰۸ م. تنها ۶۰ هزار نفر از این مردم زنده بودند. در سال ۱۵۳۳ م. سکنه بومی فقط ۴۰۰۰ نفر بودند و در نیمه سده هجدهم، نشانی از آنان باقی نبود (شهبازی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۰). یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی که گوشه‌هایی از رفتار مهاجمان اروپایی با ساکنان بومی سرزمین‌های جدید را ثبت نموده است، نامه‌ای است که توسط کشیشی به نام «بارتولومه د لاس کاسس»، که در جریان فتوحات جدید مسیحی نمودن ساکنان بومی را به‌عهده داشت، به پادشاه اسپانیا نوشته شده است (د لاس کاساس، ۱۳۹۴، ص. ۶۱). برآوردها از کشتار سرخپوستان بومی آمریکا، طی حدود ۳۰۰-۴۰۰ سال تاخت‌وتاز غربی‌ها در مستعمرات آمریکایی، بین ۵۰ تا ۱۵۰ میلیون کشته متفاوت است (دی. براون، ۱۳۶۷). نابودی تمدن‌های مایاها، اسکیموها، آزتک‌ها، اینکاها و کشتار ساکنانی مانند سرخپوستان، (معاونت مطالعات و تحقیقات، ۱۳۹۱، ج ۲، ص. ۱۵) بومیان مکزیک و کانادا و نیز مسلمانان ساکن در آمریکای پیش از کلمب، (عبدالجبار، حضور مسلمانان

در قاره آمریکا در دوران پیش از کریستف کلمب، فصلنامه مشکوه، شماره ۶۲-۶۵، ۱۳۷۸، صص. ۱۰۳-۱۰۴)^۸ رهاورد جریانی است که در تاریخ‌نگاری رسمی غرب، فرایند «اکتشاف» و «متمدن‌سازی» سرزمین‌های جدید نام گرفته است. بدین‌سان جریان استعمار قاره‌ای که نام امریکو و سپوچی بر آن نهاده شد، آغاز گردید و با سیل گسترده صنعتی به نام «تجارت جهانی برده» ادامه یافت.

۲-۳. اقتصاد برده‌داری و جامعه پلاتنوکراسی

طبیعتاً زمین‌های وسیع و حاصلخیزی که اکنون یا عاری از سکنه بومی بودند و یا بازماندگان بومی آن حاضر به کار اجباری نبوده و یا برای کار مناسب نبودند، برای کشاورزی نیازمند نیروی کاری بودند که نظام اقتصادی جدید را تکمیل نماید. از این‌رو «پایگاه‌های شکار برده» به سرعت در سراسر آفریقا گسترش یافت و سایر مفاهیم، زیرساخت‌ها و نظام‌های مربوطه مانند تجهیزات شکار برده، سیاهان نفوذی برای راهنمایی شکارچیان، تجهیزات انتقال تا ساحل، وسایل داغ‌زنی، کشتی‌های مخصوص حمل برده، بازارهای برده‌فروشی در مقصد یعنی آمریکا، قوانین برده‌داری از جمله ده ضربه شلاق در ازای نگاه کردن مستقیم یک برده به چشمان ارباب خود و لینچ (قطع عضو بدون بی‌هوشی) در صورت فرار؛ سامان یافت (هیلی، ۱۳۹۲، صص. ۱-۱۶).

در رقابت با اسپانیایی‌ها، پرتغالی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، دانمارکی‌ها، سوئدی‌ها و آلمانی‌ها این بریتانیایی‌ها بودند که گوی سبقت را ربودند. این‌بار سنگین به دوش «کمپانی سلطنتی آفریقایی بریتانیا»، تأسیس شده در زمان چارلز دوم استوارت (۱۶۶۳ م.) بود. کمپانی امتیاز انحصاری تجارت در حوزه فعالیت خود را در اختیار داشت (شهبازی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص. ۲۲۴-۲۲۵).

شهبازی (۱۳۸۳) به نقل از درک کرتن می‌نویسد: «در سال ۱۶۸۰ م. تجار ثروتمند و محترم بریستول، لیورپول و لندن در سال ۱۵ هزار برده آفریقایی صادر می‌کردند» (شهبازی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص. ۲۲۷).^۹

بعدها این رقم افزایش یافت. در فاصله سال‌های ۱۶۸۰ تا ۱۷۸۶ م. انگلستان به‌تنهایی بیش از دو میلیون برده را به اسارت گرفت، حمل کرد و فروخت... در سال

۱۷۹۱م. چهل ایستگاه [انگلیسی] شکار برده تنها در سواحل غربی [آفریقا] مستقر بود که نام زیبای «فاکتوری» [(دفتر تجاری)] را بر خود داشتند. بدین سان در سده هجدهم میلادی انگلستان به بزرگ‌ترین قدرت برده‌دار زمانه بدل شد (شهبازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۲۲۷) اروپا و به‌ویژه بریتانیا بزرگ‌ترین نظام برده‌داری تاریخ بشر حتی فراتر از روم، یونان و مصر باستان را ایجاد کرد (شهبازی، ۱۳۸۳، ص. ۲۳۸) برآوردها از انتقال ۱۵ تا ۲۰ میلیون انسان سیاه‌پوست عمدتاً مسلمان در کسوت برده به سرزمین آمریکا طی چهار سده حکایت دارد که البته به‌ازای هر نفر که سالم به مقصد می‌رسید چهار تا پنج نفر در طول مسیر، از لحظه دستگیری تا ورود به بازار برده‌فروشان، جان خود را از دست می‌دادند (شهبازی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص. ۲۲۴-۲۳۲).

هم‌زمان با استمرار غارت ماوراء بحار و سیاست امحای ساکنان بومی بسیاری از مناطق جهان تا نسل‌کشی مردمان تاسمانی در جنوب استرالیا در قرن نوزدهم میلادی؛ «اقتصاد پلانت‌کاری» یا «پلانتوکراسی»، ساختار حاکم بر کشاورزی مستعمراتی جدید بود که در بستر مزارع بزرگ و حاصلخیز (پلانت‌ها) و در ترکیب با نیروی کار بردگان سیاه‌پوست به مرحله‌ای جدید از اقتصاد غرب و تاریخ سرمایه‌داری مبدل شد. مزارع و سرزمین‌هایی که امتیاز بهره‌برداری از آن‌ها همراه با بردگان و تجهیزات و امکانات موجود به‌صورت یکجا صادر و خرید و فروش می‌شد و به جهش در تولید جهانی محصولات سودآوری چون نیشکر، نیل، تنباکو، برنج و پنبه منجر می‌گردید. این جامعه «زمینداری - بردگی»، «جامعه پلانت‌کاری» نام دارد (شهبازی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص. ۲۱۹-۲۳۰) و از مراحل مغفول شکل‌گیری سرمایه‌داری مدرن است.

۲-۴. استعمار هندوستان در شرق

پرتغالی‌ها نیز در شرق، راه مشابهی را در پیش گرفتند. گاما هنگامی که به سواحل کالیکوت هند رسید، ۸۰ کشتی تجاری مسلمانان را غارت نموده، اعضای بدن بسیاری را برای فرستادن به‌عنوان نشانه قدرت به دربار پرتغال مثله کرد و مابقی زندگان را در کشتی‌ها زنده‌زنده سوزاند (عطایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۱)^۱

هم‌زمان با پرتغالی‌ها هلندی‌ها نیز به هندوستان قدم گذاشتند و به‌عنوان اولین بنگاه استعماری، کمپانی هند شرقی هلند را تأسیس کردند. اما بی‌شک تأسیس کمپانی هند

شرقی انگلیس در سال ۱۶۰۰م. نقطه عطفی در مسیر آغاز شده توسط گاما بود. شرکتی معظم که در حقیقت دولت انگلستان به دنبال آن و برای تأمین منافعش در هندوستان تکاپو می‌کرد. این تکاپوها طی دورانی طولانی با نابودی حکومت بزرگ و مقتدر اسلامی گورکانیان هند که میراث پادشاهان بزرگ و مقتدری مانند اکبرشاه، شاه‌جهان، اورنگ زیب و جهان‌شاه گورکانی بود، هندوستان را به مستعمره‌ای تمام‌عیار تبدیل کرد. «رابرت کلايو» در رأس قشون انگلیس در دفاع از منافع کمپانی، و با همکاری هندوها در جنگ پلاسی با سراج‌الدوله از آخرین پادشاهان گورکانی جنگید. آن‌ها او را کشتند، به فیل بستند و در کوی و برزن به زمین کشانیدند و این سلسله را با قساوت و سنگدلی در معرض انقراض قرار دادند. او در مسند «مرشد آباد» مستقر شد و در ۲۸ ژوئن ۱۷۵۷م. حکومت رسمی بریتانیا بر هندوستان آغاز گردید. کلايو^{۱۱} و همدستانش گنجینه افسانه‌ای بنگال را به غارت بردند. جنگ‌های خونین انگلیسی‌ها با هندی‌ها ادامه یافت و نهایتاً با سرکوب انقلاب بزرگ ۱۸۵۷م. هندوستان که به وضوح رنگ‌وبوی اسلامی داشت، هندوستان مستعمره رسمی و تمام‌عیار بریتانیا شد. دربار بریتانیا در اول نوامبر ۱۷۵۸م. رسماً کمپانی را منحل کرد و گردانندگان کمپانی هند شرقی بریتانیا در قالب حکومت انگلیسی هند و وزارت امور هندوستان، اداره هند را به‌دست گرفتند. هندوستان از این پس به کانون توطئه‌های منطقه‌ای بریتانیا تبدیل شد.

فرایند استعمار هندوستان اسلامی با یهودیان و پارسیان هند، پیوندی استوار دارد. (شهبازی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص. ۱۱۹-۲۰۵).

مطالعه رد پای این جریان استعماری و بلکه استکباری از مرور نام بسیاری از شهرها و کشورهای غصب شده در عالم نیز ممکن و جالب‌توجه است. ترینیداد یا تثلیث مقدس، ویرجینیا یا ملکه باکره به نام الیزابت، نیوفاوندلند یا سرزمین تازه کشف‌شده، سن پائولو یا پل مقدس، نیویورک یا یورک جدید، سن توماس یا توماس مقدس، کلمبوس یا نام لاتین کریستف کلمب، سن خوزه، سانتا ماریا یا مریم مقدس، لوئیزیانا به نام لویی پادشاه فرانسه، فیلیپین به نام پادشاه فیلیپ اسپانیا، نیوجرسی یا جرسی نو، آمریکا به نام امریکو و سپوچی و ... (بختیاری، ۱۳۹۰، صص. ۸۳-۹۳).

این گونه بود که «غارث ماوراء بحار» در شرق و غرب عالم از پایگاه جریان نوظهور غرب تکوین یافت و فصلی تازه در اقتصاد غرب و جهان بنیان نهاده شد. اکنون سیل کالاهایی چون قهوه، زعفران، کشمش، ذرت و غله، پنبه، شکر، فلفل، دارچین، نارنج (و پرتقال)، کتان (القطن)، صابون، کافور، چای، پارچه، کرباس و منسوجات شرقی و مهم‌تر از همه، طلا به سمت اروپا و بریتانیا سرازیر بود و کانون‌های تجاری پرونقی مانند آمستردام هلند و بعدها لندن را به وجود آورد. هنوز نام شرقی این کالاها در اروپا رایج است.

ثروت و سرمایه‌ای که در خلال این سال‌ها و طی این فرایند در کشورهای اروپایی و بریتانیا، مهد سرمایه‌داری انباشت شده است، به درستی قابل تخمین نیست. تنها در سال ۱۵۵۵م. در دوران حکومت الیزابت، ۱۲ میلیون لیره استرلینگ از محل راهزنی دریایی توسط سرداران او که به «سگ‌های درنده الیزابت»^{۱۲} شهرت داشتند به انگلستان وارد شد. به نوشته دکتر جفکین آلمانی: «ثروتی که در سده هجدهم از هند و مستعمرات آمریکایی به جزیره انگلیس وارد شد عظیم است. تنها مالیات شکر مستعمرات آمریکایی انگلیس ۱/۲ میلیون پوند استرلینگ در سال بود.» (به نقل از شهبازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۲۲۷) کمپانی سلطنتی آفریقایی بریتانیا از آغاز تأسیس تا سال ۱۷۲۰م. ۳۰۰ هزار تن شکر به انگلستان وارد نمود. در سال ۱۷۸۹م. در تجارت شکر بریتانیا ۳۰ هزار دریانورد دخیل بودند. کل شکر تولید شده در مستعمرات انگلیسی جزایر هند غربی از آغاز تصرف تا زمان لغو برده‌داری بیش از ۱۰ میلیون تن گزارش شده است. در ۱۷۷۵م. از ویرجینیا و ماری‌لند حدود ۱۱ میلیون تن تنباکو و از جزایر هند غربی حدود ۱۰۰ هزار تن شکر صادر می‌شد (شهبازی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص. ۲۲۷-۲۲۸) در سال ۱۷۹۲م. درآمد خالص کمپانی هند شرقی بریتانیا از بنگال هند ۸/۲۲۵ میلیون پوند استرلینگ گزارش شد. به این دلیل بود که ویلیام پیت، نخست وزیر بریتانیا، در نامه‌ای به رابرت کلايو، فرمان دیوانی بنگال را «موهبتی» دانست که خداوند برای استرداد بدهی‌های دولت انگلیس در جنگ هفت ساله اروپا (۱۷۵۶-۱۷۶۳م.) و «نجات یک ملت» نازل کرده است. (شهبازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۲۴۶).

این‌ها و حجم انبوه ثروتی که به‌سختی قابل تخمین است، انباشت سرمایه لازم برای ایجاد نظام اقتصادی تکاثری و سرمایه‌سالار غرب جدید را در کنار نهادهای متناسب با آن ایجاد کرد.

۲-۵. ماهیت انحصاری نظام تجارت ماوراء دریاها

تجارت ماوراء بحار به‌غایت انحصاری بود؛ هرچند تاجران مستقل نیز وجود داشتند. تجارت مستعمراتی در انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی ساختاری انحصاری داشت. هر کمپانی از تعدادی سرمایه‌گذار یا سهامدار تشکیل می‌شد که از دربار اجازه‌نامه و امتیاز انحصاری می‌گرفت و به فعالیت مشغول می‌شد. این اجازه‌نامه‌ها حتی شامل حق ضرب سکه، تأسیس ارتش، جنگ، صلح، اداره امور داخلی کشورها و ... نیز بود. کلیه این کمپانی‌ها نهادهایی کاملاً انحصاری بودند که با فرمان سلطنتی و اعطای امتیازنامه در برابر دریافت حق الانحصار تأسیس می‌شدند. هدف از اعطای این انحصارها انباشتن خزانه دربار انگلستان بود و در تمامی این کمپانی‌ها ملکه، پادشاه انگلیس و درباریان او در زمره سهامداران اصلی بودند (شهبازی، ۱۳۸۳، صص. ۷۰-۷۴) کمپانی «هند شرقی بریتانیا» مقتدرترین این شرکت‌ها بود (شهبازی، ۱۳۸۳، صص. ۷۴-۸۴).

«تجارت آزاد»، علاوه بر نیاز به اقدامات سیاسی و میدانی لازم مانند جنگ با فرانسه و اسپانیا برای تجارت مستعمراتی و نیز سخنگویان و شعاردهندگان چون ویلیام پیت، (شهبازی، ۱۳۸۳، صص. ۴۲۶) بیش از همه محتاج تبدیل شدن به یک «نظریه» بود. کتاب ثروت ملل در چنین زمانه و بستری نوشته شد.

اسمیت طی ۱۲ سال کار فشرده و پرزحمت از ۱۷۶۴م. تا ۱۷۷۶م.، با مطالعه کتاب‌های فراوان، ملاقات با مهم‌ترین شخصیت‌های علمی جنبش روشنگری زمان خود در اسکاتلند، انگلستان، فرانسه و سوییس، بازدیدهای میدانی، ارتباط با سیاسیون و اشراف، خدمت‌گذاری در دستگاه اشرافی مهم‌ترین اعضای نظام خاندان سالار بریتانیا، ارتباط با بازرگانان تجارت استعماری برده، تنباکو و ... در اروپا، جلسات فراوان، پرفشار و مداوم در باشگاه‌ها و انجمن‌های متعدد، تحصیل و تدریس در مراکز مهم علمی بریتانیا و با تکیه بر استعداد و مهارت خویش و عمدتاً تلاش‌ها و مجاهدت‌های

شبانه‌روزی خود و البته به مدد تأمین مالی دائمی کانون‌های سفارش دهنده کتاب، (Ross, 2010, p. xxiv) به اثری ماندگار به نام «تحقیقی در ماهیت و علل ثروت ملل»^{۱۳} دست یافت. این پروژه ۱۲ ساله در نه مارس ۱۷۷۶م، سال استقلال آمریکا به چاپ رسید (رافائل، ۱۳۸۷، ص. ۳۶).

۳. ساختار ثروت ملل

«تحقیقی در ماهیت و علل ثروت ملل» در پنج کتاب تنظیم شده است. کتاب اول به نیروی کار و تقسیم کار، کتاب دوم به سرمایه، کتاب سوم به سیر توانگری در میان ملت‌های مختلف، کتاب چهارم به سیستم اقتصاد سیاسی و کتاب پنجم به مالیات و بدهی ملی می‌پردازند (Smith, 1904, introduction).

در کتاب اول، خودخواهی به عنوان عاملی معرفی می‌شود که وضعیت فرد و جامعه را ارتقا می‌دهد. «مغالطه اسمیت»، هیوم و هم‌نظرانشان مبنی بر این که «پی‌جویی نفع شخصی، نفع عمومی را حداکثر می‌کند» در همین کتاب پرداخت شده است. (فولی، ۱۳۹۲، صص. ۱۹-۲۲).

کتاب دوم حاوی مباحث مربوط به سرمایه و پول اعتباری که بر شالوده قضایای بحران اعتباری ناشی از شکست بانک آیر و البته مبتنی بر دیدگاه هیوم و به اصرار او نوشته شده است، می‌باشد. این بحران اعتباری ناشی از انبوه سهام‌ها و پول‌های اعتباری منتشر شده برای تأمین مالی تجارت مستعمراتی به‌ویژه در دنیای جدید، آمریکا، است (Ross, 2010, p. 259)

کتاب سوم به دنبال بحث تاریخی از پیشرفت اقتصادی جوامع است. او سیر کشاورزی، صنعت، تجارت را مراحل طبیعی پیشرفت می‌داند اما با پررنگ‌سازی نقش تجارت آن را موتور پیشرفت جوامع می‌داند؛ همانند بریتانیا که در تجارت مستعمراتی با هند و آمریکا به پیشرفت رسید (اسمیت، ۱۳۵۷، فصل سوم).

کتاب چهارم به اقتصاد و بازار آزاد و نفی هرگونه مانع بر سر تجارت، و جابجایی آزاد نیروی کار و سرمایه می‌پردازد چرا که «وضع محدودیت بر مستعمره‌نشینان، محروم کردن ایشان از مقدس‌ترین حقوق بشر است.» او همچنین در این فصل به رد نظر کنه مبنی بر محوریت زمین و کشاورزی در رشد اقتصادی می‌پردازد.

کتاب پنجم به هزینه‌های عدم آزادی، یعنی مالیات و بدهکاری ملی که از جنگ با مستعمرات ناشی می‌شود پرداخته است (Ross, 2010, pp. 296-302). کتاب‌های اول و دوم، بخش‌های تحلیلی و مبانی نظری کتاب هستند که در حقیقت برای سه کتاب بعدی پرداخته شده‌اند. سه کتاب دیگر که در حقیقت هدف اصلی از تدوین کتاب را تشکیل می‌دهند، به مطالعات عملی و «حل مسئله» می‌پردازند. سؤال ساده‌ای که می‌تواند مطرح باشد این است که چرا جلد چهارم و پنجم در ایران ترجمه نشده است؟ پاسخ ساده کاتوزیان به این سؤال ساده آن است که ثروت ملل از بس مطالب مبسوط و گسترده مانند مباحث مفصل پیرامون فقره دارد، ترجمه آن حتی برای اهل فن، چه رسد به دانشجویان و غیرمتخصصان، خسته‌کننده و گاه ملال‌آور است. همچنین بسیاری از مباحث آن مانند مستعمرات آمریکا و هند غربی، تاریخمند و متعلق به گذشته است و جز برای آنان که به دنبال اطلاعات تخصصی در این باره هستند، مفید نمی‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۴، صص. ۹-۱۰).

استدلال اول حتماً درست و استدلال دوم احتمالاً نادرست است. مطالعه مباحث مطرح شده در جلد چهارم و پنجم که در حقیقت وجه کاربردی و غایت تدوین ثروت ملل است دارای ارزش نظری و برای خواننده‌ای که به دنبال کاربست مبانی کتاب‌های اول و دوم است مورد انتظار و مفید است اما چرایی دست نیافتن به آن‌ها احتمالاً به دلیل تغییر نگرشی است که از اسمیت، در ذهن خواننده روی می‌دهد. به نظر ترجمه این دو فصل برای جامعه علمی اقتصاد ضروری است و باید دنبال شود. با توجه به فرصت محدود این نوشتار تنها به بازخوانی فرازهایی از بخش سوم جلد چهارم با عنوان «درباره مستعمرات» بسنده می‌شود.

۴. بازخوانی بخش‌هایی مغفول از ثروت ملل؛ «درباره مستعمرات»^{۱۴}
اسمیت معتقد است:

کشف آمریکا و نیز هند شرقی از طریق گذر کردن از دماغه امیدنیک، این دو، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ بشریت‌اند^{۱۵} (Smith, 1904, p. 107).

او، بی‌پرده و فاش اعلام می‌دارد: «کشف و استعمار آمریکا، به آسانی می‌جاز خواهد بود»^{۱۶} (Smith, 1904, p. 97).

او، ملت‌های استعمارشده را مدیون اروپاییان می‌داند: «سیاست اروپا چگونه به تأسیس اولیه یا شکوه کنونی مستعمرات کمک کرده است؟ از طریق یک راه و فقط یک راه؛ مادر ماگنا، الهه مهربانی، مردانی را پرورش داد که توانایی دستیابی به چنین اقدامات عظیم و بنیان‌گذاری چنان امپراتوری عظیمی داشته باشند. هیچ گوشه دیگری از جهان وجود ندارد که سیاست قادر به ایجاد چنین مردانی باشد یا در واقعیت آن‌ها را داشته باشد. مستعمرات مدیون سیاست اروپا هستند، مدیون تحصیلات، دانش و دیدگاه‌های عالی بنیان‌گذاران فعال و کارآفرین آن‌ها هستند و بیشتر و مهم‌تر از آن‌که به امور داخلی‌شان یا چیز دیگری مربوط باشد مدیون اروپاییان هستند» (Smith, 1904, p. 76).

آدام اسمیت فراتر می‌رود و با منت‌گذاری بر کشورهای مستعمره، مزایای استعمار شدنشان را برایشان توضیح می‌دهد:

کشورهای استعمارگر مادر همواره در جنگ‌ها، متحد و سپر بالای مستعمراتشان بوده‌اند اما کمتر در صلح و آرامش آن‌ها شریک بوده‌اند. مستعمرات، هرگز ارتشی قوی، حتی برای دفاع از خود [چه رسد به] دفاع از کشور مادر نداشته‌اند. کشورهای مستعمره، بدون استثنا چیزی جز مایه ضعف برای قوت کشورهای مادر خود نبوده‌اند (Smith, 1904, p. 43).

او هرچند به برخی ظلم‌ها و جنایات اروپاییان نسبت به ملت‌های مستعمره اعتراض می‌کند اما معتقد است در میان کشورهای استعمارگر اروپایی، بهترین آن‌ها انگلستان بوده است: «انگلستان فقط تا حدودی، غیرلیبرال و ظالمانه بوده است» (Smith, 1904, p. 76).

او مزایای استعمار برای کشورهای استعمارگر را دسته‌بندی و بیان می‌کند: مزایایی که اروپا از کشف و استعمار آمریکا به‌دست آورده است به دو بخش تقسیم می‌گردد. نخست آن‌چه به اروپا به‌عنوان یک ملت واحد مربوط است و دوم مزایایی که هر کشور اروپایی استعمارگر به‌دست آورده که به خود او اختصاص دارد.

مزایای استعمار برای کل اروپا، افزایش لذت (و بهره‌مندی) آن و دوم ارزش‌افزوده تولیدات آمریکاست که به اروپا وارد می‌شود. امکاناتی که به‌جز از طریق استعمار در اختیار

ساکنان این قاره بزرگ قرار نمی گرفت. برخی امکانات برای راحتی و استفاده، برخی برای لذت و برخی دیگر برای زینت که در نتیجه به افزایش لذت آن‌ها کمک می کند. استعمار به تقویت صنعت همه کشورهای که با آن تجارت می کنند کمک کرده است، اول از همه آنان که مستقیماً با مستعمرات تجارت می کنند مانند اسپانیا، پرتغال، فرانسه و انگلیس و دوم، همه کسانی که بدون تجارت مستقیم با آن، از طریق کشورهای واسطه دیگر، کالاهایی را که تولید آن‌ها است به آن می فرستند مانند اتریش، فنلاند و برخی از استان‌های آلمان که به واسطه کشورهای که قبلاً ذکر شد، مقدار قابل توجهی پارچه و کالاهای دیگر را برای آن می فرستند. بدیهی است که همه این کشورها بازار گسترده تری برای مازاد تولید خود به دست آورده اند و در نتیجه باید برای افزایش مقدار آن تشویق شوند. این رویدادهای بزرگ حتی به توسعه لذت و صنعت کشورهای که هرگز با آمریکا تجارت نکرده اند منجر می شود (Smith, 1904, p.77).

این اظهار نظر اسمیت هر چند وقیحانه اما منطبق بر واقعیت است:

در دوران سلطنت جرج اول هانوفر، بریتانیا سرزمینی روستایی - کشاورزی بود ... در این زمان، چهارپنجم نیروی کار بریتانیا در کشاورزی اشتغال داشتند. بالاترین حقوق کارگر ۵ شیلینگ در هفته (بدون غذا) بود و کودکان به شکلی گسترده از شش سالگی به کار گرفته می شدند. به نوشته بریتانیکا، در حالی که اغنیا زندگی پرتجملی داشتند، کارگران کشاورزی و معادن تنها با یک دست لباس گذران می کردند و در کلبه ها، دخمه ها و سرداب ها می زیستند. ویلیام کالیر در کتاب خود (۱۸۸۲م). تصویری گویا از جامعه شهری انگلستان در اواخر سده هفدهم و سده هجدهم به دست داده است. او می نویسد در پایان سده هفدهم در شهر بریستول ۶۰۰۰ نفر، در لیدز ۵۰۰۰ نفر، در شفیلد ۲۰۰۰ نفر و در لیورپول تنها ۲۰۰ نفر سکونت داشتند. البته جمعیت لندن در این زمان حدود ۵۰۰ هزار نفر بود. معهداً، زندگی توده مردم در این شهر بزرگ با روستاهای فقرزده و شهرهای کوچک تفاوت محسوس نداشت و به دور از تمامی خدماتی بود که امروزه از زندگی شهری متصور است. ... در نیمه اول سده هجدهم نیز لندن سیمایی تیره و هولناک داشت. خیابان‌ها به شدت آلوده بود و بوی تعفن مشام را آزار می داد. ...

تا نیمه دوم سده هجدهم، انگلستان از نظر بهداشت و فرهنگ هنوز کشوری عقب‌مانده بود. در سال ۱۶۸۵ در لندن از هر ۲۳ نفر یک نفر می‌مردند (در سال ۱۸۸۲ این نسبت یک به چهل بود). این وضع بیش از همه دامنگیر زنان و کودکان بود و حتی ملکه‌های انگلیس راهی برای رهایی از این مصیبت نداشتند. کاترین آراگونی، همسر اول هنری هشتم، صاحب شش فرزند، از جمله دو پسر، شد ولی به‌رغم علاقه فراوان هنری به پسر تمامی آنان، به‌جز ماری تودور، در زمان زایمان یا در کودکی مردند. آن بالین، همسر دوم هنری هشتم، صاحب سه فرزند شد؛ یکی سقط شد، دیگری مرده به‌دنيا آمد و تنها یکی (الیزابت) زنده ماند. ... در اواخر سده هفدهم و اوایل سده هجدهم وضع به همین‌گونه بود. برای مثال، ملکه آن نوزده فرزند زایید که همه در زمان زایمان یا در کودکی مردند. ... به نوشته کالیر، در نیمه اول سده هجدهم، آموزش زنان بسیار نازل بود و حتی زنان متعلق به فرهیخته‌ترین خاندان‌ها به زحمت نامه‌ها را هجی می‌کردند.

انقلاب مالی نیمه اول سده هجدهم و تهاجم غارتگرانه الیگارشی بریتانیا به سراسر جهان، طبعاً بر وضع داخلی این سرزمین تأثیرات جدی بر جای گذارد. مهم‌ترین پیامد این تحول، گسترش فرهنگ تجاری بود که نیاز به ایجاد بازارهای انبوه مصرف داخلی را پدید آورد و این امر در نیمه دوم سده هجدهم رشد فزاینده شهرنشینی و پیدایش طبقه متوسط شهری پرشماری را سبب شد. این سرآغاز تحولی است که در نیمه دوم سده نوزدهم، در دوران پس از انقلاب صنعتی، به اوج خود رسید و به تولد پدیده‌ای انجامید که از آن با عنوان «جامعه مدرن» یاد می‌شود. پیدایش و رشد شهرهای بزرگ با هجوم انبوه «کالاهای مستعمراتی» به بازار داخلی بریتانیا مقارن بود و این امر پیدایش خدمات جدید و ارتقاء سطح زندگی طبقات اشرافی و متوسط را در پی داشت. برای نمونه، در نیمه سده هجدهم در شهر بریستول نه قهوه‌خانه، در لیورپول و چستر شش و در نورثمپتون دو قهوه‌خانه ایجاد شده بود. معهداً، باید توجه داشت که این خدمات جدید تنها در انحصار گروه معدود و ممتازی از اعضای جامعه بود و اکثریت مردم، به‌ویژه روستاییان، حتی تا اواخر سده نوزدهم از نظر شیوه زیست مادی و فرهنگی معنوی به شیوه کهن می‌زیستند. این امر در مناطق کوهستانی اسکاتلند، مناطق مرکزی ولز و بخش‌هایی از منطقه ایست‌آنجلیا در انگلستان مشهودتر بود.

در این دوران بود که قالی و میز برای نخستین بار به خانه مردم انگلیس راه یافت هر چند هنوز سقف‌ها کوتاه، پنجره‌ها کوچک و خانه‌ها کم‌نور و بدهوا بود. در این دوران، کالاهایی چون فلفل، قهوه، شکر و تنباکو در انگلستان رواج یافت (شهبازی، ۱۳۸۳، ج ۳، صص. ۳۴۴-۳۵۸).

اما، مهم‌ترین انتقاد وارده از منظر اسمیت و سفارش‌دهندگان ثروت ملل به این تجارت استعماری، انحصاری بودن آن بود.

«کشف آمریکا و نیز هند شرقی از طریق گذر کردن از دماغه امید نیک، دو مهم‌ترین و بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ بشریت‌اند. اما مزایا و نتایجی که طی این دو سه قرن داشته‌اند قرار نیست همیشه ادامه یابد. هم مناطق جدید در حال تمام شدن و هم بومیان کشورها در حال بیدار شدن و قوی شدن هستند. ایشان در حال کسب قدرت برابر برای ایجاد ترس و مقابله با بی‌عدالتی و کسب احترام متقابل هستند (Smith, 1904, P.103).

تجارت انحصاری موجب کاهش یافتن لذت و صنعت کشورهای استعمارگر مادر می‌شود... در نتیجه این تجارت انحصاری، آن قسمت از مازاد تولید مستعمرات انگلیسی را نمی‌توان به هیچ کشوری جز انگلیس ارسال کرد. کشورهای دیگر باید پس از آن از او خرید کنند. بنابراین ضرورتاً این کالاها باید در انگلیس ارزان‌تر از هرکشور دیگری باشد و البته به افزایش لذت انگلستان، بیشتر از سایر کشورها منجر می‌شود. [اما] این‌ها برای کشورهای دیگر ضدمزیت و به‌ضرر آن‌ها هستند. این مزایا، مزیت‌های نسبی هستند نه مطلق. این موفقیت‌ها به افزایش لذت کشور استعمارگر تعلق دارد و نه به صنعت و تولید دیگران اما این افزایش لذت به اندازه‌ای نیست که به‌طور طبیعی از طریق «تجارت آزاد» افزایش می‌یابد (Smith, 1904, PP.43-44).

این تجارت استعماری باید به حالت «طبیعی» و «آزاد» برگردد. تجارت استعماری در شکل طبیعی خودش یعنی تجارت آزاد به تقویت نیروی کار مولد بریتانیای کبیر می‌انجامد (Smith, 1904, PP.43-47).

او بعد از استدلال‌های فراوان در مورد بد بودن تجارت استعماری انحصاری و خوب بودن تجارت استعماری آزاد یا طبیعی، می‌نویسد: «برای بریتانیا، اثرات خوب تجارت طبیعی بیشتر از اثرات بد تجارت انحصاری است» (Smith, 1904, P.47). اسمیت به دستگاه عظیم تجارت بریتانیا می‌تازد اما نقطه کلیدی مباحث او تمایز میان «تجارت استعماری انحصاری» و «تجارت استعماری آزاد» و نه تجارت استعماری و تجارت آزاد است:

ما باید با دقت میان آثار تجارت استعماری و تجارت انحصاری استعماری تفاوت بگذاریم. اولی ضرورتاً و همیشه مفید است و دومی همیشه و ضرورتاً مضر. اما مورد اول به قدری سودمند است که تجارت استعماری به نسبت تجارت انحصاری و آثار زیان‌بار آن، هنوز هم کاملاً مفید و به شدت سودآور است، گرچه سود آن از یک معامله خوب دیگر (تجارت آزاد) کمتر است^{۱۷} (Smith, 1904, PP.90-91). بخشی از استدلال‌های او این‌گونه است:

تأثیر تجارت کلنی (استعماری) در حالت طبیعی و آزاد آن، فتح بازاری عالی، و هرچند دوردست، برای بخش‌هایی از تولید صنعت بریتانیا است که ممکن است بیش از تقاضای بازارهای نزدیک به خانه خود باشد. ... تجارت مستعمراتی در حالت طبیعی و آزاد خود، بدون کاستن بخشی از تولید که به آن بازارها فرستاده شده است، بریتانیای کبیر را تشویق می‌کند که تولید مازاد خود را به‌طور مداوم افزایش دهد، با ارائه مداوم تولیدات معادل جدید برای مبادله با آن‌ها. تجارت استعماری در حالت طبیعی و آزاد خود به افزایش مقدار کار مولد در بریتانیای کبیر منجر می‌شود، اما بدون تغییر در آن‌چه که قبلاً استخدام شده بوده است. در حالت طبیعی و آزاد تجارت مستعمراتی، رقابت دیگر کشورها مانع از افزایش نرخ سود به بالاتر از حد سود متعارف می‌شود یا از طریق بازار جدید و یا استخدام جدید. بازار جدید بدون کاستن چیزی از موارد قبلی، خلق می‌شود. می‌توان گفت بازار جدید، تولیدی جدید برای عرضه خودش ایجاد می‌کند و این تولید جدید سرمایه جدیدی را تشکیل می‌دهد که باعث ایجاد اشتغال جدید می‌شود و به همین ترتیب هیچ چیزی از تولید گذشته کم نخواهد کرد. (Smith, 1904, P.80).

او مفهومی به نام مزیت نسبی را نیز، در کنار مزیت مطلق، مطرح می‌سازد:

با این وجود می‌توان در اثر تجارت آزاد به یک مزیت نسبی که با مزیت مطلق متفاوت است، دست یافت. این مزیت نسبی ناشی از امکان ورود کشورهای دیگر به تجارت انحصاری و عدم رکود صنایع و اقتصاد آنهاست که با تجارت آزاد حاصل می‌شود. کشورهای دیگر ممکن است در مریلند و ویرجینیا به‌خاطر فراوانی و ارزانی، به‌صورت آزاد تنباکوی بیشتر و ارزان‌تری بخرند و گران‌تر بفروشند. بله انگلستان حتماً تنباکو را ارزان می‌خرد و گران‌تر می‌فروشد و به یک مزیت مطلق دست می‌یابد اما از مزیت نسبی تجارت با همسایگان محروم می‌شود. انگلستان تنباکو را ارزان‌تر از دیگر کشورها می‌خرد اما گران‌تر از همه نمی‌فروشد (Smith, 1904, P.80).

در باب مزیت نسبی و مطلق، او بیان مهم دیگری نیز دارد:

تجارت مستعمراتی، مستعمرات را به صادرات مواد کشاورزی و مواد خام وابسته می‌سازد و نمی‌گذارد به قدرت برسند اما صنعت کشورهای اروپایی را پیشرفت می‌دهد چرا که برای آنها بهتر و ارزان‌تر است که محصولات صنعتی را خود تولید نکنند و از بریتانیا بخرند (Smith, 1904, PP.91-92).

با این توضیح دلیل حملات اسمیت به کمپانی هند شرقی که البته با رعایت ادب نسبت به گردانندگان آن و پوزش از ایشان انجام می‌شد، (Smith, 1904, P.114) و برخی آن را از شواهد مبارزه او با استعمار می‌دانند؛ به انحصاری بودن تجارت کمپانی و نه استعماری بودنش باز می‌گشت.

اسمیت از عدالت نیز سخن می‌گوید البته اما، نه عدالت میان انگلیسی‌ها و سایر ملل بلکه برابری و عدالتی که حقوق پست‌ترین افراد انگلیسی را برای بزرگ‌ترین ایشان محترم می‌شمارد؛ عدالت میان برترین و پست‌ترین افراد و صنایع انگلیسی (Smith, 1904, P.92).

نتیجه‌گیری

مطالعه بستر تاریخی تدوین کتاب ثروت ملل، نشان می‌دهد، تجارت استعماری به موتور اقتصادی اروپا و بریتانیا در سده‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ میلادی تبدیل شده و سرمایه و قدرت لازم برای ورود به دوران جدید و اقتصاد صنعتی را فراهم آورده است. این روند طولانی تاریخی و نقش عنصر تجارت در آن، باید در قامت نظریه علمی تجلی

می‌یافت و مهم‌تر از همه آن‌که بنا به اقتضاء زمان و منافع ذی‌نفعان تجارت استعماری از دوران تجارت استعماری انحصاری به مرحله تجارت استعماری آزاد گذر می‌کرد. اسمیت در بستر زمانی پیش‌گفته در کتاب‌های اول و دوم اثر خود، ثروت ملل، به طراحی و ترسیم مبانی نظری برای ایده تجارت آزاد می‌پردازد و در جلدهای بعدی به حل مسئله مشغول می‌شود. یکی از مهم‌ترین این مسائل، مستعمرات و تجارت با آن‌هاست که در بخش چهارم از کتاب ثروت ملل به نحو مبسوط بدان می‌پردازد. او با مجاز دانستن حق استعمار برای بریتانیا به تشریح مزایای آن می‌پردازد. او همچنین مزایای استعمار را برای استعمارشوندگان توضیح داده و استعمار را موجب امتنان ایشان ترسیم می‌کند.

وی سپس مهم‌ترین مشکله این تجارت سودمند استعماری را، انحصاری بودن آن دانسته و با ارائه دلایلی آن را قابل ادامه نمی‌داند و معتقد است حالت طبیعی یعنی آزاد آن سودمندتر است.

او با بیان این نکته اساسی که باید میان تجارت استعماری و تجارت استعماری انحصاری تمایز قائل شد، به این تمایز به‌مثابه یکی از دلایل اعتقاد به «تجارت آزاد استعماری» می‌نگرد. اسمیت همچنین دلایل دیگری برای خوب بودن و سودمندی تجارت آزاد استعماری بیان می‌کند و نهایتاً این سیاست را پیش‌روی دستگاه اقتصادی بریتانیا می‌نهد.

ترجمه و مرور بخش‌هایی از کتاب چهارم ثروت ملل نشان می‌دهد آنچه در ادبیات اقتصادی، دست‌کم به نقل از اسمیت و برپایه کتاب ثروت ملل، فراگیر شده است «تجارت آزاد» نیست بلکه «تجارت آزاد استعماری» است و قید مهم «استعماری» در بازتاب‌ها و روایت‌های متداول از ثروت ملل و اقتصاد بازار آزاد، مغفول و احتمالاً مکتوم مانده است.

یادداشت‌ها

1. Political Economy
2. Economics
3. Jevons(1835-1882)
4. Leon Walras(1834-1910)

۵. ویلیام استنلی جونز، نظریه اقتصاد سیاسی، ۱۸۷۱م. و لئون والراس، اصول اقتصاد سیاسی، ۱۸۷۴.
6. Christopher Columbus
7. Vasco de Gama
۸. و نیز بنگرید به: حمید شفیع‌زاده، تاریخ حضور مسلمانان و ایرانیان در آمریکا پیش از کریستف کلمب، انتشارات شفیع‌زاده، قم، ۱۳۹۲.
- و نیز: فخار ابراهیم فخار، بنو برزل بمسیله فی البرازیل اسطوره کریستوف کولومب، مجله الثقافه، شماره ۲۰، الجزائر، ۱۹۷۴م، صص ۳۰-۴۷.
۹. آدام اسمیت و برخی تاجران بزرگ برده مانند اندرو کوچرین و ریچارد اُسوالد در ارتباط نزدیک و از اعضای یک حلقه بودند (راس، ۲۰۱۰م، ص. ۲۴۰).
۱۰. و نیز بنگرید به: زیکرید هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا (خورشید الله بر فراز مغرب زمین)، ترجمه مرتضی رهبانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۶. و نیز (شهبازی، زرسالاران یهودی و پارسی، ج ۱، ص. ۴۷).
۱۱. آدام اسمیت قرار بود در ۱۷۷۳م. در خدمت به خاندان کلایو، معلم خصوصی پسر لرد رابرت کلایو شود که به دلایلی چنین نشد (راس، ۲۰۱۰م، صص. ۲۶۹ و ۲۷۰).
12. Elizabeth Predatory Dogs
13. An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations
14. About the Colonies
15. The discovery of America, and that of a passage to the East Indies by the Cape of Good Hope, are the two greatest and most important events recorded in the history of mankind
16. The discovery and colonization of America, it will readily be allowed
17. We must carefully distinguish between the effects of the colony trade and those of the monopoly of that trade. The former are always and necessarily beneficial; the latter always and necessarily hurtful. But the former are so beneficial, that the colony trade, though subject to a monopoly, and notwithstanding the hurtful effects of that monopoly, is still upon the whole beneficial, and greatly beneficial; though a good deal less so than it otherwise would be.

کتابنامه

- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۹۲)، توسعه و مبانی تمدن غرب، (چاپ سوم). تهران: واحه.
- اسمیت، آدام (۱۳۵۷)، ثروت ملل، مترجم سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: پیام.
- اکتار، عدنان (۱۳۸۷)، تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا، مترجم نصیر صاحب حق، تهران: هلال.
- بارتولومه دلاس کاساس (۱۳۹۴)، افسانه سیاه، ترجمه و تحقیق محمد جواد مزینانی، قم: دفتر نشر معارف.
- بختیاری، سعید و دیگران (۱۳۹۰)، اطلس جامع گیاتشناسی، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیاتشناسی.
- پیغامی، عادل (۱۳۸۹)، اقتصاد هترو دوکس (نگاهی به جریان‌های رقیب اقتصاد متعارف)، تهران: دانشگاه

امام صادق (ع).

رافائل، دیوید (۱۳۸۷)، آدام اسمیت، مترجم عبدالله کوثری، تهران: طرح نو.
رضی، سید محمدرضا (۱۴۰۰)، روایت پیدایش دانش اقتصاد با تمرکز بر زندگی و زمانه آدام اسمیت، تهران: قصد.

زرشناس، شهریار (۱۳۹۶)، آدام اسمیت در یک نگاه کوتاه، تهران: انتشارات خبرگزاری تسنیم.
زریباف، سید مهدی (۱۳۹۱)، تحلیلی بر سیر شناخت و روش‌شناسی علم اقتصاد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

شفیع‌زاده، حمید (۱۳۹۲)، تاریخ حضور مسلمانان و ایرانیان در آمریکا پیش از کریستف کلمب، قم: انتشارات شفیع‌زاده.

شهبازی، عبدالله (۱۳۸۳)، زرسالاران یهودی و پارسی؛ استعمار بریتانیا و ایران، جلد اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

شهبازی، عبدالله (۱۳۸۳)، زرسالاران یهودی و پارسی؛ استعمار بریتانیا و ایران: آریستوکراسی و غرب جدید، جلد سوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

شهیدی پاک، محمدرضا (۱۳۹۴)، تاریخ تحلیلی اندلس، قم: جامعه‌المصطفی.
طنطاوی، محمد (۱۳۹۲)، غروب آفتاب در اندلس، گروه ترجمه نشر معارف، قم: دفتر نشر معارف.
عبدالجبار، محمد (۱۳۷۸)، «حضور مسلمانان در قاره آمریکا در دوران پیش از کریستف کلمب»، ترجمه محمدتقی اکبری، فصلنامه مشکوه، شماره ۶۲-۶۵.

عطایی اصفهانی، محمدعباس (۱۳۸۵)، اعترافات، جلد اول، قم: انتشارات حضرت عباس (ع).
معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان (۱۳۹۱)، روایت تفکر، فرهنگ و تمدن از آغاز تاکنون: دوباره به آسمان نگاه کن، قم: دفتر نشر معارف.

معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان (۱۳۹۱)، روایت تفکر، فرهنگ و تمدن از آغاز تاکنون: من به قدرت رسید، قم: دفتر نشر معارف.

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۴)، آدام اسمیت و ثروت ملل، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
هونکه، زیکرید (۱۳۸۶)، فرهنگ اسلام در اروپا (خورشید الله بر فراز مغرب زمین) (مترجم مرتضی رهبانی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی).

هیلی، الکس (۱۳۹۲)، ریشه‌ها، مترجم علیرضا فرهمند، تهران: امیرکبیر.

Abdul Jabbar, M (2009), *The Presence of Muslims in the Americas in the Pre-Christopher Columbus Period*, (Akbari, Mohammad Taghi, Translator), Meshkat Quarterly, No. 62-65, (In Persian)

Aktar, A (2007), *Untold and hidden history of America* (Sahib Hagh, Nasir, translator). Tehran, (In Persian)

Ataei I (2007), *Confessions* (vol. 1). Qom. Publications of Hazrat Abbas (AS), (In Persian)

- Avini, S (2014), *Development and Foundations of Western Civilization* (Third Edition). Tehran. Vaheh, (In Persian)
- Bakhtiari, S (2012), *Comprehensive Atlas of Geology*. Tehran. Institute of Geography and Cartography of Geology, (In Persian)
- Bartholomew Delas Kasas (2016), *The Black Legend* (Mazinani, Mohammad Javad, Translator and researcher), Qom, Maaref Publishing Office, (In Persian)
- Cambridge University Press. *Encyclopædia Britannica*. (11th, ed.) <https://www.britannica.com>
- Deputy of Studies and Research of the National Youth Organization (2012), *Narrative of Thought, Culture and Civilization from the Beginning to the Present: Look at the Sky Again*. Qom. Maaref Publishing Office.
- Deputy of Studies and Research of the National Youth Organization (2012), *Narrative of thought, culture and civilization from the beginning until now: "I" came to power*. Qom. Maaref Publishing Office.
- Glasgow University, (1976-83), *Edition of the Works and Correspondence of Adam Smith*, Oxford.
- Haley, A (2014), *Roots* (Farahmand, Alireza, translator). Tehran. Amir Kabir, (In Persian)
- Homayoun Katozian, M (2016), *Adam Smith and the Wealth of Nations* (Fifth Edition). Tehran. Amir Kabir. Honke, Zickrid (1386), *Culture of Islam in Europe (Sun of God over the West)* (Rahbani, Morteza, translator). Qom. Islamic Culture Publishing Office, (In Persian)
- <http://oll.libertyfund.org>
- <http://oll.libertyfund.org/title/119>, (In Persian)
- <https://www.electricscotland.com/history/glasgow/glasgow3-25.htm>
- Ian Simpson Ross (2010). *The Life of Smith*. New York, United States. Oxford University Press Inc.
- Moradi, F (2009), *Malcolm X*. Tehran. Mirase hle Ghalam.
- Online Library of Liberty. *An Inquiry Into the Nature and Causes of the Wealth of Nations* (Cannan ed.), vol. 2 PLL v6.0
- Peyghami, (2011), *Heterodox economies*. Tehran. Imam Sadeq University, (In Persian)
- Rae, John, (1895), *Life of Adam Smith*. (reprinted with additional materials by Jacob Viner, New York, 1965)
- Raphael (2009), *Adam Smith* (Kowsari, Abdullah, translator). Tehran. Tarhe Now, (In Persian)
- Razy, S (2021), *The Story of Creation of the Modern Economics with Focus on the Life and Time of Adam Smith*. Tehran. Ghasd, (In Persian)
- Shafizadeh, H (2014), *History of the presence of Muslims and Iranians in the United States before Christopher Columbus*. Qom. Shafizadeh Publications, (In Persian)
- Shahbazi (2005), *Jewish and Persian Polotocrates; British and Iranian colonization* (Vol. 1). Tehran. Institute of Political Studies and Research, (In Persian)
- Shahbazi (2005), *Jewish and Persian Polotocrates; British and Iranian Colonialism: The Aristocracy and the New West* (Vol. 3). Institute of Political Studies and Research, (In Persian)
- Shahidi Pak, M (2016), *Analytical History of Andalusia*. Qom. The Mustafa Society, (In Persian)
- Smith, A (1978), *The Wealth of Nations* (Ebrahimzadeh, Sirus, Translator). Tehran. Payam, (In Persian)

- Smith, Adam. (1904), *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations* (Vol. 2, book IV) (edited with an Introduction, Notes, Marginal Summary and an Enlarged Index by Edwin Cannan). London. Methuen.
- Tantawi, M (2014), *Sunset in Andalusia* (Maaref Publishing Translation Group, translator). Qom. Maaref Publishing Office, (In Persian)
- The Rise of Banking and the Deepening of the Clyde*. The History of Glasgow, Volume 3 - Chapter XXV.
- Zaribaf, SM (2012), *An analysis of the course of cognition and methodology of economics*. Tehran. Imam Sadegh University, (In Persian)
- Zarshenas, S (2018), *Adam Smith; A Short review*. Tehran. Tasnim, (In Persian)

